

به نام خدا

بازی و تدریس

مolfan :

مریم شجاع حیدری

لیلا احسان منش

مهدی سعیدی نیک

کیمیا اسکندری نسب

مرضیه حیدری پویا

انتشارات کتاب رسان ایده

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: بازی و تدریس / مولفان مریم شجاع حیدری... [و دیگران].
مشخصات نشر: همدان: کتاب رسان ایده، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۶۴ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۹۶-۱-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: مولفان مریم شجاع حیدری، لیلا احسان منش، مهدی سعیدی نیک، کیمیا اسکندری نسب، مرضیه حیدری پویا.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۵-۱۶۴.

موضوع: بازی‌های آموزشی

Educational games

تدریس اثربخش

Effective teaching

شناسه افزوده: شجاع حیدری، مریم، ۱۳۶۳-

رده بندی کنگره: LB1۱۳۷

رده بندی دیویی: ۳۷۲/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۲۸۹۰۵

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: بازی و تدریس

مولفان: مریم شجاع حیدری - لیلا احسان منش - مهدی سعیدی نیک

کیمیا اسکندری نسب - مرضیه حیدری پویا

ناشر: کتاب رسان ایده (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۳۲۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۰۹۶-۱-۳

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir

فهرست مطالب

مقدمه.....	۵
فصل اول: قدرت بازی.....	۹
رها کردن تخیل: جادوی زمان بازی.....	۱۰
بازی برای همه سنین: از کودکی تا بزرگسالی.....	۱۳
یادگیری مبتنی بر بازی: پرورش خلاقیت در آموزش.....	۱۶
علوم اعصاب بازی: چگونه مغز ما را شکل می‌دهد.....	۱۹
حل مسئله بازی: توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی.....	۲۲
بازی درمانی: شفا از طریق بیان بازیگوش.....	۲۶
ارتباطات بازی: ایجاد پیوندها و مهارت‌های اجتماعی.....	۳۰
فصل دوم: هنر تدریس.....	۳۵
مجموعه ابزار معلم: راهبردهای ضروری برای آموزش مؤثر.....	۳۶
درک سبک‌های یادگیری: تطبیق آموزش برای هر دانش آموز.....	۳۹
ذهنیت رشد در آموزش: پرورش عشق به یادگیری.....	۴۲
نقش همدلی: ایجاد یک محیط کلاس درس حمایتی.....	۴۵
پرورش کنجکاوی: تشویق ذهن‌های کنجکاو.....	۴۹
ارزیابی فراتر از نمرات: پذیرش ارزشیابی کل نگر.....	۵۲
یادگیری مادام‌العمر: پرورش اشتیاق به دانش.....	۵۵
فصل سوم: رویکردهای آموزشی بازی.....	۵۹
گیمیفیکیشن: ارتقاء سطح تجربیات یادگیری.....	۶۰
یادگیری مبتنی بر پروژه: درگیر کردن دانش آموزان در چالش‌های دنیای واقعی.....	۶۳
آموزش در فضای باز: در آغوش گرفتن کلاس درس طبیعت.....	۶۶
ادغام فناوری بازی: متعادل کردن صفحه نمایش و بازی فیزیکی.....	۶۸
نمایشنامه در آموزش: یادگیری از طریق نقش آفرینی و قصه گوئی.....	۷۰

۷۵ موسیقی و حرکت: مهار ریتم‌ها برای یادگیری پیشرفته.
۷۸ بیان هنرمندانه: خلاقیت در کلاس درس.
۸۳ فصل چهارم: بازی به عنوان یک ابزار آموزشی.
۸۴ یخ شکن‌های بازی: تنظیم آهنگ برای یادگیری.
۸۹ بازی در کلاس درس: استراتژی‌های بازیگوش برای مشارکت فعال.
۹۲ شبیه سازی و ایفای نقش: تجسم تجربیات یادگیری.
۹۵ ایستگاه‌های آموزشی بازیگوش: سرگرمی چرخشی با هدف.
۹۸ پاداش‌ها و مشوق‌های بازیگوش: ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان.
۱۰۲ روش‌های ارزیابی بازی: اندازه‌گیری دانش از طریق بازی.
۱۰۵ بازتاب بازی: تشویق دانش‌آموزان به درس گرفتن از اشتباهات.
۱۰۹ فصل پنجم: پرورش فراگیری از طریق بازی.
۱۱۰ بازی بدون مرز: بازی فراگیر برای زبان‌آموزان متنوع.
۱۱۴ بازی تطبیقی: آموزش خیاطی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه.
۱۱۷ بازی به عنوان یک پل: شکستن موانع فرهنگی و زبانی.
۱۲۰ برابری جنسی بازیگوش: تقویت برابری در آموزش.
۱۲۵ منابع و مآخذ.

مقدمه

در دنیایی مملو از پیچیدگی‌ها، جایی که الزامات آموزش مدرن و چالش‌های آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آینده‌ای دائماً در حال تغییر دلهره‌آور به نظر می‌رسد، ابزاری قدیمی وجود دارد که می‌تواند جرقه جادو و دگرگونی را در قلب و ذهن یادگیرندگان در تمام سنین ایجاد کند - بازی. به «بازی و تدریس» خوش آمدید، جایی که ما سفری را برای کشف مجدد قدرت بازی و نقش محوری آن در آموزش آغاز می‌کنیم.

دنیایی را بدون بازی تصور کنید، قلمرویی خالی از خنده، خلاقیت و کاوش. بازی صرفاً جنبه اتفاقی زندگی انسان نیست. این یک عنصر اساسی است که در تار و پود وجود ما تنیده شده است. از روزهای بی دغدغه کودکی تا فرارهای بازیگوش بزرگسالی، بازی ما را در سفر رشد، کشف و یادگیری ما همراهی می‌کند. در این فصل، به تأثیر عمیق بازی بر رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی می‌پردازیم. ما بررسی می‌کنیم که چگونه بازی بذریه‌های تخیل را می‌پروراند، کنجکاو را تحریک می‌کند، و عشق به یادگیری را شعله‌ور می‌کند که یک عمر طول می‌کشد.

در قلب هر تجربه آموزشی عالی، هنر تدریس نهفته است. معلمان، مانند صنعتگران ماهر، از دانش و اشتیاق خود برای شکل دادن به ذهن نسل آینده استفاده می‌کنند. در این فصل، معلمان را که الهام بخش و راهنمایی می‌کنند، تجلیل می‌کنیم و رویکردهای متنوعی را که برای آزاد کردن پتانسیل در هر دانش‌آموز به کار می‌گیرند، بررسی می‌کنیم. ما به اصول درک سبک‌های مختلف یادگیری، اهمیت همدلی و قدرت دگرگون کننده

ذهنیت رشد می‌پردازیم. در اینجا، متوجه می‌شویم که معلمی صرفاً یک حرفه نیست، بلکه حرفه‌ای است که به پرورش قلب‌ها و ذهن‌ها نیاز دارد.

همانطور که چشم انداز آموزش تکامل می‌یابد، روش‌های درگیر کردن ذهن‌های جوان نیز تغییر می‌کند. رویکردهای آموزشی بازیگوش پاسخی نوآورانه به نیازهای در حال تغییر زبان آموزان است. در این فصل، ما جادوی گیمیفیکیشن، یادگیری مبتنی بر پروژه، آموزش در فضای باز و سایر استراتژی‌های بازیگوش را که مشارکت فعال را تشویق می‌کنند و ارتباط عمیق‌تری با دانش را تقویت می‌کنند، کشف می‌کنیم. با پذیرش این رویکردها، مربیان می‌توانند شعله‌های شور و شوق را شعله‌ور کنند و حتی چالش‌برانگیزترین موضوعات را به ماجراجویی‌های جذاب تبدیل کنند.

بازی فقط یک پاداش برای یادگیری نیست، بلکه یک ابزار آموزشی ضروری است. در این فصل، ما بررسی می‌کنیم که چگونه معلمان می‌توانند بازی را در کلاس‌های درس خود ادغام کنند تا یک محیط یادگیری پویا و غنی ایجاد کنند. از یخ‌شکن‌هایی که فراگیر بودن را تشویق می‌کنند تا ارزیابی‌هایی که خلاقیت را در بر می‌گیرند، شاهد هستیم که چگونه بازی می‌تواند مفهوم سنتی آموزش را به یک تابلوی کشف پر جنب و جوش تبدیل کند. با گنجاندن بازی به عنوان عنصر اصلی آموزشی، مربیان می‌توانند اشتیاق واقعی برای یادگیری را پرورش دهند که فراتر از نمرات و پایداری فراتر از کلاس درس است.

هر یادگیرنده‌ای منحصر به فرد است و آموزش و پرورش باید تنوع را جشن بگیرد و فضا را برای درخشش هر دانش آموز ایجاد کند. در این فصل، ما بر نقش بازی در پرورش فراگیری و تفاهم در میان دانش‌آموزان با زمینه‌ها و توانایی‌های مختلف تمرکز می‌کنیم. با پذیرش بازی سازگاران و تشویق همدلی، مربیان می‌توانند پل‌های ارتباطی ایجاد کنند که از موانع فرهنگی، زبانی و فیزیکی عبور می‌کند. با هم، متوجه می‌شویم که بازی نیروی قدرتمندی است که به جای تقسیم، متحد می‌کند و یک تجربه آموزشی فراگیر و هماهنگ برای همه ایجاد می‌کند.

در «بازی و تدریس»، قدرت دگرگون‌کننده بازی را جشن می‌گیریم و تلاشی را آغاز می‌کنیم تا قلمرو بازی و آموزش را پل بزنیم. با ما همراه باشید تا در میان صفحات این کتاب سفر کنیم تا لذت یادگیری را در آغوش بگیریم و امکانات بی حد و حصری را که هنگام بازی و آموزش دست در دست هم آشکار می‌شود، کشف کنیم. اجازه دهید ماجراجویی آغاز شود!

فصل اول

قدرت بازی

رها کردن تخیل: جادوی زمان بازی

زمان بازی، که اغلب به عنوان یک فعالیت تفریحی در نظر گرفته می‌شود، اهمیت عمیقی در پرورش تخیل و رشد شناختی افراد در تمام سنین دارد. لحظات به ظاهر بی‌دغدغه بازی به دور از بیهودگی هستند. آنها به عنوان بلوک‌های اساسی برای خلاقیت، حل مسئله و رشد عاطفی عمل می‌کنند. در این کاوش در مورد جادوی زمان بازی، به تحقیقی می‌پردازیم که قدرت دگرگون کننده بازی و تأثیر آن در آزادسازی تخیل انسان را روشن می‌کند.

بازی، در ساده‌ترین شکل خود، قلمرویی است که ذهن می‌تواند آزادانه، بدون محدودیت یا محدودیت در آن پرسه بزند. در این دنیای بازی است که کودکان پایه و اساس توانایی‌های تخیلی خود را توسعه می‌دهند (بیورکلوند و براون، ۲۰۱۴). از طریق بازی وانمودی، کودکان این فرصت را دارند که نقش‌ها، شخصیت‌ها و سناریوهای مختلف را تجسم کنند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا دنیای اطراف خود را درک کنند و درک خود را از تعاملات و روابط اجتماعی بسازند (برگن و کوشیا، ۲۰۱۵). این تجربیات تخیلی نه تنها ذهن خلاق آنها را غنی می‌کند، بلکه باعث ایجاد همدلی و هوش هیجانی می‌شود.

همانطور که کودکان بزرگتر می‌شوند، بازی همچنان نقش حیاتی در رشد آنها ایفا می‌کند. برای نوجوانان و بزرگسالان جوان، زمان بازی تفکر واگرا را تقویت می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا ایده‌ها و راه‌حل‌های زیادی برای مشکلات پیچیده تولید کنند (راس و

کاگارس^۲، ۲۰۱۷). درگیر شدن در بازی خلاق، ارتباطات عصبی مغز را تحریک می‌کند و منجر به افزایش انعطاف پذیری شناختی و تفکر انطباقی می‌شود (گری^۳، ۲۰۱۵). از طریق این فرآیندهای تخیلی است که ذهن‌های جوان برای رویارویی با چالش‌ها و سازگاری با دنیای همیشه در حال تغییر مجهزتر می‌شوند.

حتی در بزرگسالی نیز قدرت بازی پابرجاست. تحقیقات نشان می‌دهد که بازی نه تنها استرس را از بین می‌برد، بلکه بهره‌وری و توانایی‌های حل مسئله را در محل کار افزایش می‌دهد (اسکات و اسکوریچ^۴، ۲۰۱۸). فعالیت‌های بازیگوش در بزرگسالی حالتی از جریان را تشویق می‌کند، جایی که افراد کاملاً غوطه‌ور هستند و عمیقاً روی کار در دست تمرکز هستند و منجر به افزایش خلاقیت و ایده‌های نوآورانه می‌شوند (آماییل و پیلمر^۵، ۲۰۱۲). پذیرفتن بازی در حوزه حرفه‌ای می‌تواند به نیروی کار متعهدتر و با انگیزه‌تر منجر شود و در نهایت به موفقیت سازمان‌ها کمک کند.

جادوی زمان بازی فراتر از توسعه فردی است. همچنین نقش محوری در شکل دادن به جوامع و تقویت ارتباطات اجتماعی ایفا می‌کند. نشان داده شده است که بازی موانع بین افراد با پیشینه‌های مختلف را از بین می‌برد و باعث فراگیری و درک می‌شود (هاوسر و همکاران، ۲۰۱۶). در بازی‌های جمعی، مانند ورزش‌های گروهی یا بازی‌های مشارکتی، افراد دور هم جمع می‌شوند و از تفاوت‌های فرهنگی، نژادی و اجتماعی فراتر می‌روند تا احساس مشترکی از شادی و رفاقت را تجربه کنند (فراست و وود، ۲۰۱۵). در این لحظات بازی جمعی، پیوندهای اجتماعی تقویت می‌شود و حس تعلق و اتحاد را ترویج می‌کند. علاوه بر این، زمان بازی دارای پیامدهای درمانی است، به ویژه در بازی درمانی مشهود است. بازی‌درمانگران از فعالیت‌های بازیگوشی مختلف برای کمک به کودکان و بزرگسالان

² Russ & Kaugars

³ Gary

⁴ Scott and Scorch

⁵ Amabile & Pillemer

⁶ Houser

برای پردازش تروما، مدیریت احساسات و کار از طریق چالش‌های روان‌شناختی استفاده می‌کنند (لاندردث و براتون،^۷ ۲۰۱۸). بازی به افراد این امکان را می‌دهد تا خود را به روش‌های غیرکلامی بیان کنند و فضای امنی برای رهایی عاطفی و بهبودی فراهم کند (ری و براتون، ۲۰۱۷). از طریق بازی درمانی، افراد می‌توانند در خلاقیت و تخیل آرامش پیدا کنند و از موانع زبانی عبور کنند تا افکار و احساسات درونی خود را کشف کنند.

گنجاندن بازی در محیط‌های آموزشی نیز مزایای قابل توجهی را نشان داده است. رویکردهای یادگیری مبتنی بر بازی، مانند مونته سوری و رجیو امیلیا، به دلیل تأکیدشان بر یادگیری تجربی و اکتشاف خلاق برجسته شده اند (نیکولوپولو^۸ و همکاران، ۲۰۱۴). مشخص شده است که برنامه‌های درسی مبتنی بر بازی باعث افزایش تعامل و انگیزه در دانش آموزان می‌شود که منجر به بهبود عملکرد تحصیلی و حفظ آنها می‌شود (هیرش پاسک^۹ و همکاران، ۲۰۱۹). ادغام بازی در آموزش نه تنها نتایج یادگیری را افزایش می‌دهد، بلکه عشق مادام‌العمر به یادگیری را نیز پرورش می‌دهد.

همانطور که جهان به تکامل خود ادامه می‌دهد، نقش زمان بازی در پرورش ذهن‌های نوآور بسیار مهم‌تر می‌شود. در یک چشم‌انداز به سرعت در حال تغییر، افراد باید به سازگاری، خلاقیت و مهارت‌های حل مسئله مجهز شوند (بریکول،^{۱۰} ۲۰۱۷). از طریق بازی، افراد می‌توانند آزمایش کنند، ریسک کنند و از شکست‌ها در یک محیط کم‌خطر بیاموزند، انعطاف‌پذیری و طرز فکر رشد را تقویت کنند (سلیگمن و سیکسزنت میهایلی^{۱۱}، ۲۰۱۴). بنابراین، بازی نه تنها منبع شادی و سرگرمی است، بلکه یک کاتالیزور قدرتمند برای تحول و پیشرفت است.

جادوی زمان بازی در توانایی آن در برانگیختن تخیل، شکل دادن به توانایی‌های شناختی و تقویت رشد عاطفی نهفته است. از کودکی تا بزرگسالی، بازی به عنوان منبع

⁷ Landreth and Bratton

⁸ Nicolopoulou

⁹ Hirsch Pasek

¹ Bricol

¹ Seligman & Csikszentmihalyi

شگفتی و اکتشاف عمل می‌کند و پتانسیل بی حد و حصر ذهن انسان را آزاد می‌کند. همانطور که اهمیت بازی در رشد فردی، انسجام اجتماعی و محیط‌های آموزشی را می‌پذیریم، اجازه دهید قدرت زمان بازی را در آغوش بگیریم و ذهن‌های تخیلی نسل‌های آینده را پرورش دهیم

بازی برای همه سنین: از کودکی تا بزرگسالی

بازی، یک فعالیت جهانی انسانی، از موانع سنی فراتر می‌رود و مزایای آن از کودکی تا بزرگسالی گسترش می‌یابد. این کاوش به اهمیت بازی در مراحل مختلف زندگی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه بازی رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی را در طول عمر فرد تقویت می‌کند.

بازی در اوایل کودکی آغاز می‌شود و به عنوان یک پایه اساسی برای یادگیری و رشد عمل می‌کند (مویلز،^۱ ۲۰۱۷، ص ۴۵). در دوران نوزادی، بازی حسی-حرکتی، مانند گرفتن اشیا یا تکان دادن جعبه‌ها، به رشد مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت کمک می‌کند (فیشر،^۱ ۲۰۱۵، ص ۲۲). همانطور که کودکان وارد دوران نوپا می‌شوند، بازی نمادین ظاهر می‌شود، با بازی وانمودی که تفکر تخیلی و خلاقیت را تقویت می‌کند (لیلارد^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۸). از طریق این فعالیت‌های بازی، کودکان توانایی‌های شناختی ضروری از جمله حل مسئله، استدلال فضایی و حافظه را توسعه می‌دهند (بیورکلوند و پلگرینی،^۱ ۲۰۱۴، ص ۷۳).

همانطور که کودکان بزرگتر می‌شوند، بازی از نظر پیچیدگی و دامنه تکامل می‌یابد و منعکس کننده نیازهای در حال تغییر شناختی و اجتماعی فرد است (برگن،^۱ ۲۰۱۹، ص ۱۱۲). بازی همچنان به عنوان وسیله‌ای برای کاوش و بیان خود عمل می‌کند و تنظیم

¹ Moyles	2
¹ Fisher	3
¹ Lillard	4
¹ Bjorklund & Pellegrini	5
¹ Bergen	6

عاطفی و همدلی را تسهیل می‌کند (نابر^۷ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۶). بازی مشارکتی رواج بیشتری می‌یابد و منجر به شکل‌گیری دوستی‌ها و توسعه مهارت‌های اجتماعی می‌شود (هاوس و فیلیپسن^۸، ۲۰۱۶، ص ۲۰۵). تعاملات بازیگوشانه با همسالان به کودکان اجازه می‌دهد در سلسله مراتب اجتماعی مذاکره کنند و در نهایت به پرورش احساس قوی از خود و هویت کمک کنند (روبین^۹ و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۱۵۷).

در طول دوران نوجوانی، بازی در ارتقای رشد جامع ضروری است (اکلس و تمپلتون^۲، ۲۰۱۶، ص ۱۴۵). درگیر شدن در ورزش، فعالیت‌های خلاقانه یا سایر فعالیت‌های تفریحی به نوجوانان کمک می‌کند تا با استرس کنار بیایند و چالش‌های کاوش هویت را هدایت کنند (برانزا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۷۲). بازی فضای امنی برای ریسک‌پذیری و آزمایش، تقویت انعطاف‌پذیری و طرز فکر رشد ارائه می‌دهد (گینزبورگ^{۱۱}، ۲۰۱۷، ص ۱۹۱). علاوه بر این، بازی در دوران نوجوانی به عنوان پلی بین دوران کودکی و بزرگسالی عمل می‌کند و به افراد این امکان را می‌دهد که حس شگفتی و کنجکاوی خود را با انتقال به مسئولیت‌های بزرگتر حفظ کنند.

با ورود افراد به بزرگسالی، ماهیت بازی ممکن است تغییر کند، اما مزایای آن باقی می‌ماند (برگن و کوشیا^{۱۲}، ۲۰۱۹، ص ۲۵۸). بازی در بزرگسالی به اشکال مختلفی از ورزش‌های تفریحی و سرگرمی‌ها گرفته تا تعاملات بازی با خانواده و دوستان به خود می‌گیرد (هافمن^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳۷). درگیر شدن در بازی می‌تواند به عنوان یک تسکین دهنده قوی استرس عمل کند، بهزیستی روانی را ارتقاء بخشد و رضایت کلی از زندگی را افزایش دهد (پروپر^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۷۵۲). فعالیت‌های بازیگوش

1 Nabar	7
1 Howes & Phillipsen	8
1 Rubin	9
2 Eccles and Templeton	0
2 Branch	1
2 Ginsburg	2
2 Bergen and Kosia	3
2 Hoffman	4
2 Prover	5

همچنین پیوند و ارتباطات عاطفی را در روابط بین فردی تسهیل می‌کند و حس تعلق و حمایت اجتماعی را تقویت می‌کند (کوترونا، ۲۰۱۶، ص ۱۲۰).

در محل کار، بازیگوشی با افزایش خلاقیت و توانایی‌های حل مسئله مرتبط است (کارملی^۷ و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۳۵۰). سازمان‌هایی که عناصر بازیگوشی مانند جلسات طوفان فکری یا گیمیفیکیشن را در آموزش ترکیب می‌کنند، تمایل دارند نیروی کار متعهدتر و نوآورتری داشته باشند (شلدون^۸ و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۷۰). رویکردهای بازیگوشانه برای حل مسئله، افراد را تشویق می‌کند که خارج از چارچوب فکر کنند، که منجر به راه‌های جدید و فرهنگ بهبود مستمر می‌شود.

با ورود افراد به بزرگسالی بعدی، بازی همچنان به رفاه و کیفیت زندگی آنها کمک می‌کند (بورگی^۹ و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۱۷۰). درگیر شدن در فعالیت‌های فراغتی که حس بازیگوشی را برمی‌انگیزد می‌تواند با زوال شناختی مبارزه کند و ذخیره شناختی را تقویت کند (ورگس^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۵۱۲). تعاملات بازی با نوه‌ها یا مشارکت در گروه‌های اجتماعی می‌تواند حس هدف و ارتباط اجتماعی را در زندگی بعدی ایجاد کند (هیوز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۵).

بازی یک فعالیت بی‌انتهاست که زندگی انسان را از کودکی تا بزرگسالی غنی می‌کند. بازی از طریق اشکال مختلف خود به رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کمک می‌کند، تاب‌آوری، خلاقیت و ارتباطات اجتماعی را ارتقا می‌دهد. با درک اهمیت بازی در طول عمر، می‌توانیم از شادی و مزایای آن استقبال کنیم و روحیه بازیگوشی را تقویت کنیم که از سن فراتر می‌رود و تجربه انسان را زنده می‌کند.

² Kotrona	6
² Caramel	7
² Sheldon	8
² Borghi	9
³ Verghese	0
³ Hughes	1

یادگیری مبتنی بر بازی: پرورش خلاقیت در آموزش

یادگیری مبتنی بر بازی، رویکردی که بازی و آموزش را ادغام می‌کند، توجه فزاینده‌ای را در محیط‌های آموزشی به دلیل تأثیر مثبت آن بر پرورش خلاقیت و افزایش تجارب کلی یادگیری به خود جلب کرده است (برگن؛^۳ ۲۰۱۸، ص ۳۶۳). در این کاوش، ما به اصول یادگیری مبتنی بر بازی و تأثیر عمیق آن بر پرورش خلاقیت در دانش آموزان می‌پردازیم.

یادگیری مبتنی بر بازی انگیزه درونی کودکان را برای شرکت در فعالیت‌های بازی تشخیص می‌دهد و از این تمایل طبیعی به عنوان یک ابزار یادگیری قدرتمند استفاده می‌کند (برگن، ۲۰۱۸، ص ۳۶۳). با فراهم کردن محیطی غنی از بازی، مریبان فضایی را ایجاد می‌کنند که دانش آموزان بتوانند آزادانه به کاوش، آزمایش و تحقیق بپردازند (هیرش پاسک و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۵). از طریق بازی، کودکان می‌توانند بین مفاهیم ارتباط برقرار کنند، مهارت‌های حل مسئله را توسعه دهند و درک عمیق تری از ایده‌های پیچیده به دست آورند (هوارد و جنوی،^۳ ۲۰۱۶، ص ۷۵). استقلال و عاملیت ایجاد شده از طریق یادگیری مبتنی بر بازی، دانش آموزان را قادر می‌سازد تا مالکیت سفر یادگیری خود را به دست گیرند (کریمی، ۲۰۲۰، ص ۴۲).

علاوه بر این، یادگیری مبتنی بر بازی، خلاقیت را پرورش می‌دهد، یک مهارت اساسی برای موفقیت در دنیایی که همیشه در حال تغییر است (رانکو و جیگر،^۴ ۲۰۱۳، ص ۹۲). در محیط‌های بازی، دانش‌آموزان تشویق می‌شوند تا به صورت تخیلی و خارج از چارچوب فکر کنند (گوکچک و ترکان،^۵ ۲۰۱۶، ص ۱۸۹). بیان خلاق از طریق اشکال مختلف بازی، مانند هنر، نمایش، و داستان سرایی، به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا از خلاقیت ذاتی خود بهره ببرند و راه‌های منحصر به فرد حل مسئله را کشف کنند (بیورکلوند و

³ Bergen	2
³ Howard and Jenoy	3
³ Ranko and Jaeger	4
³ Gökçek & Türkan	5

براون،^۳ ۲۰۱۵، ص ۲۰۵). از طریق بازی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که شکست بخشی از فرآیند خلاقیت است و انگیزه آن‌ها برای تداوم و آزمایش هستند (نیکولوپولو و همکاران، ۲۰۱۹، ص. ۳۱).

خلاقیت محدود به هنر نیست، بلکه به رشته‌ها و حوزه‌های موضوعی مختلف گسترش می‌یابد (استرنبرگ، ۲۰۱۷، ص ۴۲). یادگیری مبتنی بر بازی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا با ذهنیت خلاقانه به محتوای تحصیلی نزدیک شوند (رابینسون و آرونیکا، ۲۰۱۵، ص ۹۱). برای مثال، در ریاضیات، دانش‌آموزان می‌توانند مفاهیم ریاضی را از طریق بازی‌ها و پازل‌ها کشف کنند و درک عمیقی از ایده‌های انتزاعی ایجاد کنند (پلگرینی و پرلموتر^{۳۷} ۲۰۱۸، ص. ۲۸). در علم، آزمایش‌های مبتنی بر بازی و فعالیت‌های عملی، کنجکاوی و تفکر انتقادی را تقویت می‌کنند (داکت و فلیر،^{۳۸} ۲۰۱۶، ص. ۱۱۲). از طریق بازی، دانش‌آموزان شرکت‌کنندگان فعال در سفر یادگیری خود می‌شوند که منجر به کسب دانش معنادار و پایدار می‌شود.

یادگیری مبتنی بر بازی همچنین باعث رشد اجتماعی و عاطفی می‌شود که اجزای جدایی‌ناپذیر خلاقیت هستند (رایدل و پراتو پرپود،^{۳۹} ۲۰۱۸، ص ۱۶۴). در بازی مشارکتی، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که به طور موثر ارتباط برقرار کنند، مذاکره کنند و به عنوان یک تیم کار کنند (هیرش پاسک و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۹). از طریق نقش‌آفرینی و بازی دراماتیک، دانش‌آموزان می‌توانند دیدگاه‌های مختلف را کشف کرده و با دیگران همدلی کنند (لستر و راسل،^{۴۰} ۲۰۱۸، ص ۱۸۰). تعاملات بازیگوشی فضای امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا احساسات خود را ابراز کنند و هوش هیجانی را

³ Bjorklund and Brown	6
³ Pellegrini & Perlmutter	7
³ Dockett & Fleer	8
³ Rydell & Prato Previde	9
⁴ Lester and Russell	0

توسعه دهند (ویگوتسکی، ۲۰۱۴^۴، ص ۵۶). این مهارت‌های اجتماعی و عاطفی نه تنها برای همکاری خلاقانه بلکه برای رفاه کلی و موفقیت در زندگی نیز ضروری است. از آنجایی که یادگیری مبتنی بر بازی خلاقیت و رشد کل نگر را تقویت می‌کند، در آموزش اولیه دوران کودکی برجسته شده است (هادسون^۴ و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۲). بازی به عنوان روش اولیه یادگیری در اوایل دوران کودکی دیده می‌شود، با مربیان که از استراتژی‌های مبتنی بر بازی برای پاسخگویی به سبک‌های یادگیری متنوع کودکان استفاده می‌کنند (بروستر و سندبرگ، ۲۰۱۷^۴، ص ۳۸). برنامه‌های درسی مبتنی بر بازی، مانند رویکرد رچیو امیلیا، اکتشاف باز و یادگیری مبتنی بر پرس و جو را در اولویت قرار می‌دهند (برک، ۲۰۱۸^۴، ص ۷۵). با ارائه مجموعه‌ای غنی از مواد و فرصت‌ها برای بازی، مربیان پایه و اساس خلاقیت مادام‌العمر و عشق به یادگیری را می‌گذارند. با انتقال دانش آموزان به مقاطع بالاتر، نقش یادگیری مبتنی بر بازی ممکن است تغییر کند، اما اصول آن همچنان قابل اجرا است (کمپ، ۲۰۱۹^۴، ص ۴۲). ترکیب عناصر بازی در محیط‌های دبیرستانی و دبیرستانی می‌تواند خلاقیت و تعامل دانش آموزان را شعله ور کند (فاربر و موری، ۲۰۱۸^۴، ص ۱۱۵). گیمیفیکیشن دروس و شبیه‌سازی‌های تعاملی می‌تواند موضوعات پیچیده را قابل دسترس‌تر و لذت بخش‌تر کند (کاپ، ۲۰۱۲، ص ۸۱). رویکردهای بازیگوشانه برای یادگیری نه تنها پیشرفت تحصیلی را افزایش می‌دهد، بلکه مهارت‌های ضروری قرن ۲۱ مانند حل مسئله، سازگاری، و همکاری را نیز پرورش می‌دهد (پلاس و هومر، ۲۰۱۹^۴، ص ۱۱۰).

یادگیری مبتنی بر بازی یک رویکرد آموزشی قدرتمند است که خلاقیت و توسعه کل نگر را در دانش آموزان پرورش می‌دهد. با شناخت کنجکاوی و خلاقیت ذاتی در

4 Vygotsky	1
4 Hudson	2
4 Brostrom and Sandberg	3
4 Berk	4
4 camp	5
4 Farber & Murray	6
4 Plass & Homer	7

هر کودک، مربیان می‌توانند از پتانسیل بازی برای تقویت تجربیات یادگیری استفاده کنند. از طریق یادگیری مبتنی بر بازی، دانش آموزان مهارت‌های تفکر انتقادی، هوش اجتماعی-عاطفی و عشق مادام‌العمر به یادگیری را توسعه می‌دهند. همانطور که پارادایم‌های آموزشی به تکامل خود ادامه می‌دهند، پذیرش یادگیری مبتنی بر بازی به عنوان یک ستون اساسی آموزش می‌تواند نسلی از متفکران نوآور و حل‌کننده مشکلات را پرورش دهد.

علوم اعصاب بازی: چگونه مغز ما را شکل می‌دهد

بازی یک جنبه ذاتی و ضروری از رشد انسان است که دانشمندان و محققان در رشته‌های مختلف را مجذوب خود کرده است. در سال‌های اخیر، حوزه علوم اعصاب بینش‌های ارزشمندی را در مورد تأثیر عمیق بازی بر مغز در حال رشد و بالغ ارائه کرده است. این کاوش به عصب‌شناسی بازی می‌پردازد و نقش آن را در شکل دادن به مغز ما و تأثیرگذاری بر عملکردهای شناختی، عاطفی و اجتماعی برجسته می‌کند.

بازی صرفاً یک فعالیت بیهوده نیست، بلکه یک فرآیند هدفمند است که رشد و انعطاف پذیری مغز را تسهیل می‌کند (بلیک‌مور و فریت؛ ۲۰۱۴^۴، ص ۹). در حین بازی، نواحی مختلف مغز فعال می‌شوند و ارتباطات عصبی تقویت می‌شوند و یادگیری و حفظ حافظه را ارتقا می‌دهند (الکیند؛ ۲۰۱۸^۴، ص ۱۳۲). به عنوان مثال، بازی با افزایش فعالیت در قشر جلوی مغز، ناحیه‌ای از مغز که مسئول عملکردهای اجرایی مانند تصمیم‌گیری و حل مسئله است، مرتبط است (هوارد جونز و همکاران، ۲۰۱۶، ص. ۲۲۵). فعالیت‌های بازیگوش مغز را به چالش می‌کشد و منجر به تشکیل سیناپس‌های جدید و تقویت شبکه‌های عصبی می‌شود (کریمی و شهیدی، ۲۰۲۰، ص ۷۶). در نتیجه، افرادی که در

⁴ Blakemore and Frith 8

⁴ Alkind 9

⁵ Howard-Jones 0

بازی منظم شرکت می‌کند، توانایی‌های شناختی و سازگاری بیشتری از خود نشان می‌دهند.

علاوه بر این، بازی از طریق تأثیر آن بر سیستم لیمبیک، مرکز عاطفی مغز، بر تنظیم هیجانی و انعطاف‌پذیری تأثیر می‌گذارد (پانکسپ و بیون، ۲۰۱۷^{۵۱}، ص. ۸۸). در حین بازی، آزاد شدن انتقال دهنده‌های عصبی، مانند دوپامین و اندورفین، احساسات مثبت ایجاد می‌کند و لذت بازی را تقویت می‌کند (سیوی، ۲۰۱۷^{۵۲}، ص. ۱۶۱). تجربیات بازیگوش همچنین آمیگدال را فعال می‌کند، پردازش هیجانی و توسعه مکانیسم‌های مقابله را تسهیل می‌کند (اسکات و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۵۳). این تنظیم عاطفی که از طریق بازی به دست می‌آید به زندگی روزمره منتقل می‌شود و افراد را قادر می‌سازد تا به طور موثر استرس و چالش‌های عاطفی را مدیریت کنند (ریوا و اندرسون، ۲۰۱۹^{۵۳}، ص ۱۰۹).

علاوه بر این، بازی نقش حیاتی در توسعه اجتماعی و ایجاد پیوندهای اجتماعی دارد (بینز و آلکالا-لوپز، ۲۰۲۱^{۵۴}، ص. ۲۰۹). هنگام درگیر شدن در بازی مشارکتی، افراد سیستم عصبی آینه‌ای را فعال می‌کنند که آنها را قادر می‌سازد احساسات و اعمال دیگران را درک کرده و با آنها همدلی کنند (کربس و روو کولیر، ۲۰۱۵^{۵۵}، ص ۲۹۰). تعاملات بازیگوش همچنین به توسعه مهارت‌های اجتماعی مانند ارتباطات و حل تعارض کمک می‌کند. از طریق بازی، افراد یاد می‌گیرند که دیدگاه‌های دیگران را در نظر بگیرند و حس درک مشترک را توسعه دهند (ورگس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۲۵۱۱). این مهارت‌های اجتماعی برای ایجاد روابط معنادار و پیمایش پیچیدگی‌های تعاملات اجتماعی ضروری هستند.

⁵ Panksepp & Biven	1
⁵ Sivy	2
⁵ Riva and Anderson	3
⁵ Bains & Alcalá-López	4
⁵ Krebs & Rovee-Collier	5